

بسم الله الرحمن الرحيم

توحید افعالی از دیدگاه جوادی آملی با محوریت سوره یوسف

عزیزه سعادت‌مند^۱

چکیده

توحید و همه‌ی ابعاد آن، از جمله توحید افعالی از مؤلفه‌های اساسی و محور اصلی آموزه‌های اسلامی می‌باشد از میان شاخه‌های توحید، توحید افعالی و باور تحقیقی و یقینی به آن، کارکردهای زیادی در همه‌ی ابعاد زندگی انسان دارد. در این نوشتار تلاش شده تا این مهم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی مورد دقت و بررسی قرار گیرد هدف از این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و بارویکرد توصیفی – تبیینی گردآوری و با مراجعه به کتابهای ایشان که مخصوصاً در این زمینه تألیف شده است آشنایی با دیدگاه ایشان به عنوان حکیم و فیلسوف و مفسر قرآن کریم در زمینه توحید افعالی با محوریت سوره یوسف که در سراسر زندگی وقصه‌ی حضرت یوسف در قرآن کریم ولایت الهی از موارد توحید افعالی ظهور دارد و قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت این آموزه‌ی مهم را در قالب قصه بیان داشته تا همگان از آن درس بگیرند، از دیگر موارد توحید افعالی توحید در خالقیت، ربوبیت، رازقیت، ولایت، و... شبهات مطرح شده در این موضوع نیز ناشی از درست تبیین و حل نشدن موضوع در میان برخی فرقه‌ها و مذاهب مختلف می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: توحید، توحید افعالی، سوره یوسف، جوادی آملی، ولایت الهی

مقدمه:

بی تردید ادیان آسمانی و ابراهیمی بر وحدت و یکتایی خداوند تأکید دارند و معتقدند آفریدگار جهان ممکن یک وجود بیش نیست که همان خدا و «الله» است که در دین پژوهی از این به اصل «توحید» تعبیر می‌شود که خود

۱- دانش آموخته سطح ۳ مرکز آموزش عالی حوزه علمیه الزهراء تبریز،
همراه: ۰۹۳۸۱۶۳۸۳۱۱ alisaaadatmand95@gmail.com

سه قسم می باشد: ذاتی، صفاتی و افعالی، توحید تنها معرفت انسان است که اگر بسط پیدا کند می شود نبوت و معاد و... از نظر وظیفه نیز انسان یک وظیفه دارد و آن بندگی خداست توحید به همه ابعاد انسان سلطه دارد از ظاهری ترین رفتار تا معنوی ترین رفتار؛ و هرچقدر شناخت و اعتقاد تحقیقی و نه تقلیدی انسان در توحید بیشتر باشد رفتار و کردار انسان نیز بهتر خواهد بود و چنین انسانی در مسیر بندگی به خدایش بیشتر تقرب می یابد از میان اقسام نظری توحید، توحید افعالی (یعنی هیچ موثر مستقلاً در عالم غیر از خدای سبحان نیست و قیومیت هستی، آفرینش، خالقیت، مالکیت، رازقیت و ولایت که هر یک بر دیگری مترتب است منحصرأً از آن خداست) ثمره‌ی عقیده به توحید افعالی آن است که انسان تنها متکی به «الله» خواهد بود، چرا که تنها ذات «الله» قابل اعتماد و ستایش است، و لیاقت این را دارد که انسان او را تکیه گاه و ولی خود در همه چیز قرار دهد «توکل» و پرستش خالصانه «توحید عبادی» از ثمرات باور عمیق به توحید افعالی است و علاوه بر آنها باور درست به آن کارکردهای زیادی در همه‌ی ابعاد زندگی انسان دارد که در این مقاله سعی بر آن است که به روش کتابخانه‌ای با رویکرد تبیینی - توصیفی این قسم از توحید را از دیدگاه حکیم و فیلسوف و مفسر قرآن کریم آیت الله جوادی آملی با محوریت معارف احسن القصص قرآن سوره یوسف، تبیین گردد، معظم له در کتاب توحید در قرآن جلد دوم از تفسیر موضوعی به طور مبسوط در باره توحید در قرآن نظراتشان را ارایه دادند در زمینه توحید افعالی نیز به تحلیل عمده ترین ویژگیها و جلوه های آن و بررسی مهم ترین شبهه ها در این زمینه و پاسخ آنها پرداخته اند با محوریت آیات قرآن در این مقاله سعی بر آن است تا به طور دقیق و خلاصه نظرات ایشان را آورده و بعد در سوره یوسف جلوه های توحید افعالی الهی بیان شود.

۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی توحید

اولین گام برای ورود به هر بحث معرفتی مفهوم شناسی واژه های کلیدی آن بحث می باشد تا زمینه برای تفهیم بهتر و مداخلی برای مطالب بعدی باشد.

الف) توحید در لغت؛ واژه «توحید» مصدر باب «تفعیل» به معنای یگانه دانستن به کار رفته به گونه ای که در مفهوم افراد و یگانگی لحاظ شده است. ریشه توحید که «وَحَدَّ» است و «وحدت» از آن مشتق می شود به

معنای انفراد است از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می شود که جزء ندارد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۵۱). و با توجه به همین معنا، توحید یعنی تنها قرار دادن یک چیز (تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۹۸)؛ یگانه کردن و به یگانگی وصف نمودن (احمدنگری، ۱۹۷۵م، ج ۱، ص ۳۶۱)؛ حکم به یگانگی چیزی و علم به یگانگی آن.

ب) توحید در اصطلاح؛ «یگانه دانستن ویگانه شمردن خدا» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۵۸)؛ ایمان به یگانگی خداوندی (صاحب، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۶) توحید؛ یعنی علم به اینکه خداوند متعال یکتاست و کسی در صفات ثبوتی و سلبی که مستحق خداوند است شریک نیست و اقرار به این علم و یگانگی. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۵ق، ص ۸۶).

توحید به دو بخش کلی نظری و عملی تقسیم می گردد و هر یک از این دو بخش نیز دارای اقسام و مراتبی است. توحید نظری به سه مرتبه ذاتی، صفاتی و افعالی تقسیم می شود؛ کلمه «وحده» در شعار «لا اله الا الله وحده وحده وحده» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۳، ص ۲۲) بیان کننده ی این مراتب سه گانه است، نه آنکه از سنخ تکرار باشد؛ زیرا برای هر کدام معنای خاصی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۰۱).

ج) توحید افعالی؛ در مرحله ی فعل الهی در سه مقام خلق و آفرینش جهان، اداره و تدبیر جهان، صدور آثار اشیاء و صدور افعال از انسان، قابل بحث و تبیین است، توحید افعالی فاعل حقیقی را در این سه مرحله خداوند می داند. (قدردان قراملکی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۷) توحید افعالی از منظر قرآن کریم یعنی هیچ موثر مستقلی در عالم غیر از خدای سبحان نیست و قیومیت هستی، آفرینش، مالکیت، ربوبیت، رازقیت و ولایت که هریک بر دیگری مترتب است منحصر از آن خداست. (جوادی آملی، همان، ص ۳۷۹).

۲. ویژگیهای فعل الهی

آیت الله جوادی آملی قبل از بیان موارد توحید افعالی به ویژگیهای فعل الهی می پردازد و برای افعال الهی نه ویژگی بیان می فرماید که در ذیل به طور اجمال به آنها اشاره می شود.

۱-۲. تحقق فعل به صرف اراده؛ هرگاه خدا فعلی را اراده کند و بخواهد شیء در خارج موجود شود، صرف اراده‌ی او برای تحقق آن شیء کافی است؛ قرآن کریم راجع به تأثیر سریع اراده الهی چنین می‌فرماید: «وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷)؛ چون به کاری اراده فرماید فقط می‌گوید [موجود] باش پس [فورا موجود] می‌شود. «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)؛ چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید باش پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود. قادر مَنّان می‌تواند نقص مبدأ قابلی را با اراده‌ی تکوینی خویش جبران کند. (رک؛ جوادی آملی، همان. ص ۳۷۹-۳۸۱)

۲-۲. تخلف ناپذیری فعل از اراده؛ تحقق فعل از اراده‌ی تکوینی اوست، نه تعجیز بردار است و نه عصیان‌پذیر؛ زیرا خدای سبحان با اراده‌ی تکوینی خود هستی هر چیزی را می‌آفریند و با قدرت قاهره‌ی خویش هرگونه مانعی را از جانب هر که و هر چه باشد بر می‌دارد. قرآن کریم نسبت به کمال اقتدار و توانایی خدا بر بندگان می‌فرماید: «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ..» (انعام: ۱۸)؛ و اوست که بر بندگان خویش چیره است. «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (عنکبوت: ۲۲). سراسر جهان هستی سربازان الهی هستند و به طور تکوینی فرمانبردار. (رک؛ جوادی آملی، همان، ص ۳۸۱-۳۸۳).

۳-۲. کفایت مبدأ فاعلی؛ خداوند سبحان مبدأ فاعلی عالم و خالق هستی است و عالم هستی را نه از «شیء» (چیزی) و نه از «لاشیء» (عدم) آفریده بلکه طبق فرمایش امیرالمومنین علیه السلام و خطبه‌ی نورانی حضرت زهرا سلام الله علیها خدا آنچه را آفریده نو و بدیع یعنی «لا من شیء» آفریده و ساخته است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ، وَلَا مِنْ شَيْءٍ خَلَقَ مَا كَانَ... وَكُلُّ صَانِعٍ شَيْءٍ فَمِنْ شَيْءٍ صَنَعَ وَاللَّهُ لَا مِنْ شَيْءٍ صَنَعَ مَا خَلَقَ» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۴۱؛ کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵)؛ خدایی که نه از چیزی که از قبل بود، وجود یافت، و نه آنچه را خلق فرمود از چیزی آفرید.... سازنده‌ی هر چیزی آن را از چیزی ساخته است و خدا آنچه را آفریده نو و بدیع یعنی «لا من شیء» آفریده و ساخته است.

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌فرماید: «ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَانْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْتِلَةً» (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۵۵)؛ اشیاء را بدون آنکه از چیزی که از قبل بود، بدیع و نوظهور آفرید و آنها را بدون الگوگیری از نمونه‌ای ایجاد کرد.

طبق این بیانات نورانی، خلقت اشیاء نه «من شیء» است که ازلیت ماده لازم بیاید و نه «من لاشیء» است که مستلزم آفرینش از عدم است، بلکه فرض سوم یعنی «لا من شیء» صحیح است (رک؛ جوادی آملی، همان، ۳۸۳-۳۸۴).

۲-۴. مادی نبودن فعل؛ فعل یا مادی است یا مجرد؛ یعنی فعل فاعل دو نوع است: الف. فعلی که فاعل آن در انجامش محتاج به حرکت اعضا و استمداد از ابزار است، مانند فعل انسان و حیوان. لازم طبیعی چنین فعلی خستگی وزود گذر و... است. فعلی که فاعل آن نیازمند به حرکت و ادوات و ابزار مادی نیست در این فعل چون مادی نیست خستگی و محدودیت و.. نیست. از آنجا که خدای سبحان فاعلی است که افعال او بدون حرکت و ابزار انجام می‌شود؛ «فَاعِلٌ لَا بِمَعْنَى الْحَرَكَاتِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، خ ۱) و در ساحت قدس او هیچ خستگی راه ندارد «إِبْتَدَعَ مَا خَلَقَ بِلَا مِثَالٍ سَبَقَ، وَلَا تَعَبٍ وَلَا نَصَبٍ، وَكُلُّ صَانِعٍ شَيْءٍ فَمِنْ شَيْءٍ» (صدوق، همان، ص ۴۳؛ کلینی، همان، ص ۱۳۵) معلوم می‌شود افعال خداوند مادی نیست. (رک؛ جوادی آملی، همان)

۲-۵. صدور به نحو تجلی؛ از ویژگیهای فعل خدا صدور آن به نحو تجلی است نه تجافی. معنای صدور به نحو تجافی این است که فعل از مبدأ خود جدا شده انتقال می‌یابد، به گونه‌ای که دیگر در نزد او نیست؛ مانند نزول باران از آسمان که وقتی به زمین رسید دیگر وجود مادی آن در آسمان نیست.

معنای صدور فعل به نحو تجلی این است که آنچه در نزد خداست در عین حال که اصل و حقیقت آن نزد اوست رقیق شده و تنزل یافته اش برای دیگران تجلی کرده، آشکار شود مانند نزول قرآن کریم در شب قدر بر پیامبر اکرم که اصل و حقیقت آن نزد خدا بوده و هست و مرتبه‌ی دقیق و نازل آن برای استفاده‌ی افراد عادی در قالب الفاظ و کلمات بر آن حضرت فرود آمد، صدور هر فعلی از خدا حتی باران به صبغهی تجلی است نه به سبک تجافی (رک؛ جوادی آملی، همان).

۲-۶. دوام فیض (بخشش)؛ اصل پیدایش هر چیزی در جهان امکان و نیز انقطاع یا استمرار آن تابع اراده‌ی الهی است. اگر خداوند چیزی را به طور محدود بخواهد، آن شیء به نحو موقت انجام می‌شود و اگر امری را به طور

خداوند داستان آن جناب را از خوابی که در ابتدای امر و در کودکی در دامن پدر دیده بود آغاز نمود. آری، رؤیای او از بشارتهای غیبی بود که بعدها آن را خارجیت داده، و با تربیت الهی که مخصوص یوسف بود کلمه او را کامل گردانید. آری، سنت خدای تعالی در باره اولیائش همین بوده که هر یک از ایشان را در تحت تربیت خاصی پرورش دهد هم چنان که فرموده: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس: ۶۲-۶۴)

و در جمله‌ای که بعد از رؤیای یوسف و تعبیر پدرش آورده و فرموده: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ»؛ (یوسف: ۷)؛ اشعار به این معنا دارد که گویا اشخاصی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) داستان یوسف و یا مطلبی را سؤال کرده بودند که با این داستان ارتباط داشته، و این اشعار مؤید آن روایاتی است که می‌گوید قومی از یهود، مشرکین مکه را وادار کردند تا نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شده از سبب انتقال بنی اسرائیل به مصر پرسش کنند (چون بنی اسرائیل فرزندان یعقوب بودند که خود ساکن سرزمین شام بودند) مشرکین هم این سؤال را در میان نهادند، و در جوابشان این سوره نازل شد.

خداوند با بیان این داستان غرض عالی از آن را استخراج کرده است و آن مساله ولایت خدای تعالی نسبت به بندگان مخلص است که در ابتداء و خاتمه این سوره بطور چشم‌گیری منعکس است. (طباطبایی همان، ج ۱۱، ص ۹۸-۱۰۰).

۷-۴. ولایت خدا برانسان

انسان برای تأمین سعادت دنیا و آخرت خود، به راه و راهنما نیازمند است که او را به مقصد برساند و یا مقصود آشنا کند. ذات اقدس الهی، تنها راهنمایی است که مقصد هم در اختیار اوست، چنان که مقصود، لقای اوست. اگر کسی از صراط مستقیم و هدف اصیل غافل نشود و فراز و نشیب آزمون‌ها او را منحرف یا منحصر نکند و سختی‌های راه او را تحمل کند، سرانجام، خدا او را از ذلت به عزت و از دشواری به آسانی می‌رساند: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح: ۵-۶)

چنان که یوسف (علیه السلام) را از همان راهی عزیز کرد که برادرانش و همسر عزیز مصر خواستند او را خوار کنند.

پیمودن این راه، برای همه استعدادهای متفاوت شدنی است. هر کس بنده خالص باشد، مانند یوسف علیه السلام زیر

تدبیر، تربیت و ولایت خدای سبحان قرار می‌گیرد: «رَبُّ قَدْ آتَيْنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمَنِي مِمَّنْ تَأْوِيلَ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف: ۱۰۱)

خدا ولی مومنان خالص است و همواره آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت می‌کند، و هر پیشامدی که در

مسیر تکاملی شان سدّ راه ایشان گردد، همان را وسیله رشد و تعالی آنان قرار می‌دهد. (جوادی آملی، همان،

ص ۳۱-۳۲).

۷-۵. آثار توحید افعالی و ظهور آن در سوره یوسف

از آثار و علایم ترقی در مراتب توحید در انسانها توکل کردن به خداوند در جمیع امور می‌باشد که همه امور را به

خداوند واگذارد و از وسایط چشم‌پوشد زیرا دیگر برای او روشن شد که به غیر از خدا احدی منشأ هیچ اثری

نیست و مبدأ همه موجودات و منشأ هر فعلی از خلق و رزق و عطا و منع و غنا و فقر و مرض و صحت و ذلت و

عزت و حیات و ممات و... خداوند است. چنین فردی اگر این مرتبه برای او حاصل شد هیچ گونه شرک و وسوسه

شیطان در او راه نمی‌یابد و اعتماد و امیدش به خداوند است (رک: نراقی، ۱۳۸۴ ش، ۱۰۵). از آثار اعتقاد به توحید

افعالی است که که بنده به خداوند توکل واقعی می‌کند و نتیجه توکل و اعتماد به خداوند آرامش است که در

زندگی حضرت یوسف بود.

انحصار توکل در توکل به خدا

انحصار عون در خدا: «... وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (یوسف: ۱۸) و منحصر شدن توکل به او: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ

تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (یوسف: ۶۷) حصر وجودی را برای اهل تحقیق در پی دارد. (رک: جوادی آملی،

۱۳۹۰ ش، ص ۳۸۹-۳۹۵).

در تفسیر المیزان چنین آمده است:

جمله «وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» که راستی کلام عجیبی است در بیان توکل حضرت یعقوب علیه السلام است بر خدایش. یعقوب می فرماید: من می دانم که شما در این قضیه مکر و حيله‌ای به کار برده‌اید، و می دانم که یوسف را گرگ نخورده، و لیکن در کشف دروغ شما و دست‌یابی بر یوسف به اسباب ظاهری که بدون اذن خدا هیچ اثری ندارند دست نمی‌زنم و در میان این اسباب دست و پا نمی‌زنم بلکه با صبر، ضبط نفس نموده، و با توکل به خدا حقیقت مطلب را از خدا می‌خواهم پس معلوم شد که جمله «وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» دعایی بود که یعقوب (علیه السلام) در مقام توکل کرده، و معنایش این است: «پروردگارا! من در این گرفتاریم بر تو توکل کردم تو در آنچه که این فرزندانم می‌گویند یاریم کن». و این جمله توحید در فعل را می‌رساند. یعقوب خواست بگوید تنها و یگانه مستعان خداست، و مرا جز او مستعانی نیست.

آری، او معتقد بود که هیچ حکم حقی نیست مگر حکم خدا... و برای اینکه توحید در فعل را تکمیل نموده و به بالاتر از این برساند اصلاً اسمی از خود نبرد، و نگفت: «بزودی صبر خواهم کرد» و نیز نگفت: «و من در آنچه شما می‌گویید به خدا استعانت می‌جویم» بلکه خود را به کلی کنار گذاشت و فقط از خدا دم زد، تا برساند همه امور منوط به حکم خداست که تنها حکم او حق است، و این کمال توحید او را می‌رساند (طباطبایی، همان، ص ۱۴۳-۱۴۵). بنابراین داستان حضرت یوسف علیه السلام که توحید افعالی در سراسر آن موج می‌زند بیانگر آن است که اعتقاد درست به توحید خداوند ثمرات زیادی در زندگی دارد و این انکار تلاش خود انسان نیز نمی‌باشد بلکه انسان با تکیه و اعتماد بر خداوند در هر برهه از زندگی باید وظیفه اش را با اخلاص انجام دهد و نتیجه را به خداوند واگذارد. خداوند که همه کاره‌ی عالم است بهترین ها را برای او رقم می‌زند.

نتیجه

توحید افعالی به عنوان شاخه‌ای از توحید از مهمترین مؤلفه‌ی اسلامی می‌باشد که این شاخه‌ای از توحید بیشترین تأثیر و کارکرد را در زندگی انسانها دارد چرا که بیان می‌کند تنها مؤثر و منشأ اثر همه‌ی موجودات عالم امکان از خداست که خالق است از فروعات توحید افعالی؛ توحید خالقیت، حاکمیت، ربوبیت، رازقیت، ولایت، ... می‌باشد آیت الله جوادی آملی نیز مانند دیگر حکیمان به شرح توحید افعالی پرداخته است ولی امتیاز ایشان

بر سایر حکماء، مفسر بودن ایشان است که طبق آیات و شواهد قرآنی به حل مسأله و شبهات پرداخته اند و سوره یوسف که تحقیق حاضر بر محوریت این سوره می باشد غرض سوره یوسف بیان توحید افعالی یا ولایت خداوند متعال می شد که در سرتا سر زندگی حضرت یوسف دیده می شود و چون حاصل توحید افعالی و باور یقینی به آن در زندگی توکل و امید به خداوند در مراتب بالایی می باشد در سوره یوسف نمونه ی انسانی که خود را تحت ولایت خداوند قرار داده است و عاقبت آن آورده شده است که می تواند در زندگی الگو باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم؛ ترجمه فولادوند

نهج البلاغه؛ صبحی صالح

احمد نگری، قاضی عبدالنبی، جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون الملقب بدستور العلماء، ج ۲، چاپ دوم،

بیروت: بی نا، ۱۹۷۵ م.

جمعی از نویسندگان، شرح المصطلحات الکلامیة، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۵ ق.

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی (توحید در قرآن)، قم: اسراء، ۱۳۸۹، چاپ پنجم.

_____، تسنیم، قم: اسراء، ج ۴۱، ۴۰، چاپ دوم، ۱۳۹۶.

_____، عین نضّاح (تحریر تمهید القواعد)، قم: اسراء، ج ۳، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ه. ق.

شیخ صدوق، ابن بابویه قمی، التوحید، تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، چاپ ششم، ۱۳۹۸ ق.

صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، محقق/مصحح، محمد حسن آل یاسین، ج ۴، چاپ اول، بیروت:

عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.

- طباطبایی، محمد حسین ، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.
- طبرسی، ابی منصور، **الاحتجاج**، تحقیق: ابراهیم بهادری، تهران: اسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، پاسخ به شبهات کلامی دفتر اول: خداشناسی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
- کلینی، یعقوب بن اسحاق، **الاصول من الکافی**، تحقیق، علی اکبر غفاری، بیروت: دارالصعب و دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ق.
- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، ج ۳۶، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس**، محقق/مصحح، علی شیری، ج ۵، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، **معارف قرآن (خداشناسی)**، چاپ سوم، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۹.
- نراقی، احمد، **معراج الساده**، تهران: فراروی، چاپ سوم، ۱۳۸۴.